



احمد اقتداری

بحثی در باره زندگی مانی و پیام او

نوشته ناصح ناطق، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷ شمسی

۳۳۳ صفحه.

در پیشگفتار کوتاه کتاب می‌خوانیم: "موضوع این رساله سرگذشت مانی و طلوع و غروب آئین او در ایران و کشورهای باخترزمین و مرگ مانی در جهان اسلام و ایران و بقاء نسبی آن در اندیشه‌های ایرانیان امروزی است." کتاب دارای هفت فصل است: فصل اول زندگی و پیام مانی، فصل دوم بنیادهای عقاید مانی، فصل سوم گنوس یا عرفان غربی، فصل چهارم مانی‌گری و مسیحیت، فصل پنجم سیر مانی‌گری در غرب، فصل ششم مانی‌گری در شرق و جهان اسلام و فصل هفتم فرجام سخن عناوین فصول کتاب است. بعلاوه کتاب دارای ضمیمه‌ای است که پیوسته‌ها نام دارد و از آخرین روزهای مانی، کتابهای مانی، درجه‌های مانویت، در باره ماندائیان، نیوشاکان و برگزیدگان، سنت اوگوستین و آئین مانی، در علل شکست ساسانیان از تازیان، دهرگیری و زروانگیری، قرامطه و اخوان‌الصفا، زنداقه و مانویان در منابع شرقی، شعوبیه و زنداقه، برزویه، طبیب، فیلسوفان در میان ملت‌های اسلامی، یزیدی‌ها، سیمای آسیا، و کتابشناسی در پیوسته‌ها سخن رفته است.

"... بحث در باره مانی، این حسن را دارد که نمونه‌ئی درگمراهی بشر را نما نشان میدهد و جوینده را متوجه این نکته می‌سازد که در طول سده‌ها، اندیشه‌ئی باطل در مغز آدمیان رخنه می‌کند، و آنان را از راه زندگی طبیعی منحرف می‌سازد و بر اثر موافقت یا مخالفت با آنان، جنگها و کشتارها بر راه می‌افتد

و خونهای آدمیان ریخته می‌شود و مردم کشورها به گروههای دشمن یکدیگر تقسیم می‌گردند، برای انهدام یکدیگر نقشه می‌کشند و با ضربت شمشیر و نیروی کلام باهم می‌جنگند، کتاب برای ترویج یا رد عقاید هم می‌نویسند، و سرانجام، همه مانند کودکانی که در پایان روز از بازی و یا گفتن و شنیدن افسانه خسته شده باشند، بخواب می‌روند و بامداد روز بعد در اثر برخورد با پیش‌آمدهای جدید، قصه‌های دیروزی را از یاد می‌برند و نبردها و داستانها و بازیهای نو آغاز می‌کند. (صفحه ۱۵ کتاب).

نیاز به میت Mythe (افسانه)، از شگفتی‌های نهاد بشر است، حقیقت هرچند هم مانند روز روشن و مانند آفتاب تابان باشد، کشتی برای آدمیان ندارد، در حالی که باطل‌ترین اباطیل میلیونها پیرو می‌تواند پیدا کند، گوئی بشر برای راه بر پیچ و خم زندگی، نیاز مبرم بافسانه دارد تا سرگرم شود و خستگی‌های راهی را که هستی را به نیستی می‌پیوندد حس نکند. با اینهمه، باید گفت که در میان افسانه‌هایی که هرکدام روزگاری مردم را مشغول و بیدار نگاه داشته و سپس بخواب فرا خوانده است، افسانه مانی، یعنی مرد تنهایی که بجنگ جنگاوران گیتی رفته، برای مفاخر نظامی و پیروزیهای حاصل از ضربات شمشیر ارزشی فائل نشده، قناعت و صلح و دوستی و فقر را زیبا شمرده و خود و یارانش کشته شدن را برکشتن ترحیح داده‌اند. یکی از دلکش‌ترین نمونه‌های تاریخ عقاید مذهبی است. زنده کردن خاطرات دوران زندگی او این حسن را دارد که به ما ایرانیان می‌آموزد که گذشته معنوی و فکری ما آنچنان که متأثران از فرهنگ باختری و نازی می‌پندارند فقیر نبوده است. چهار آئین بزرگ در کشور ما بوحود آمده و هر یک بنوبه خود در بخشی از جهان تأثیر بخشیده و یقیناً در تکوین کالبد اندیشه‌های مذهبی امروزی نشانه‌هایی از آنها پابرجا است. (صفحات ۱۵ و ۱۶ کتاب).

"... مانی که بوده است؟ از خلال پرده‌های کدر و غبارآلود گذشت قرن‌ها که همه شعله‌ها را بی‌رنگ و سوداها را خاموش نشان میدهد، چهره مانی چگونه در نظر ما محسوم می‌شود؟ وی و پیروانش قربانی چه خشم‌ها و چه ترسها شده‌اند؟ مانی می‌گفت نکشید، خود او را کشتند. می‌گفت کینه‌ها را فراموش کنید، کینه‌اش را بدل گرفتند. مانی می‌گفت بر روی این مفاک تیره، آدمی جز دمی چندار روزگار

بی‌پایان را در اختیار ندارد و همین چند دم کوتاه هم، آن مایه رنج و سختی و مصیبت و بدبختی در انتظارش است که آدمیان دیگر نباید بحان هم بیفتند و دردهای زندگی را فرونتر کنند. از وجود این مرد آرامش طلب که نه زندگی آدمیان را تهدید می‌کرد و نه ستوران و جانوران را آزار می‌داد، و نه فرمان غارت و تاراج خانه مردمان و اسیر کردن زنان و فرزندان را می‌داد، چه خطری برای سپاهیان و روحانیان و سررشته داران کشورها متصور می‌بود؟ چرا در طول قرن‌ها در ایران که میهن وی و پیروانش بود، وی و پیروانش پیوسته رنج دیدند و در سرزمین‌های دوردست اروپا و آسیا هم هرجا که نام مانی برده شد و از عقائدش دم زدند شمشیرها به سراغ این گروه که هرگز جنگ‌افزار بدست نگرفتند آمد و آنان را مانند نخچیران بیابانها با دقت و پشتکار عجیبی شکار کردند. کالبد وی سالها بر دروازه شهر جندی‌شاپور آویخته ماند، شاگردانش رویهمرفته در هیچ حای پناهگاهی پیدا نکردند، تا در آنجا دور از خشم شرطه دولت یا مذهب، از راه و رسم خود پیروی نمایند، و بر فرض اینکه در باره خدا و زمین و زمان راه غلط می‌پیمودند، در پیمودن راه غلطی که زیانی برای کسی نداشت، آزاد باشند. دولت روم شرقی و روم غربی هرکدام بنوبه خود مقرراتی برای آزار دادن آنان وضع کردند، خلفای اموی و عباسی نام زندیق بر آنان نهادند و برای کشتن آنان چوبه دار سفارش دادند. " (صفحات ۲۰۶ و ۲۰۷ کتاب).

با خواندن این چند حمله مختصر، که از حای حای کتاب گرفته شده است واقعیت احساس حکیمانه، مهندس ناصح ناطق نویسنده، آزاداندیش پردرد کتاب را بخوبی می‌توانیم درک نمائیم. من با خواندن این کتاب ناله‌های مردی متفکر و در جستجوی آزادی و عدالت را که هر روز بدنیال سرایی دوان دوان و فریادکنان، در نیمه‌راه پیر از صعوبت و سختی، نفس زنان و وامانده و خسته و نومید و افسرده و خدنگ آرزوهایش بر سنگ نامرادی نشسته است، براستی و براستین، شنیده و دریافته‌ام که مؤلف شکسته خاطر این کتاب، بدوران شکوهمندی فرهنگ ایرانی می‌اندیشد، به نشانه‌های مدنیت پرفضیلت قوم ایرانی دل مشغولی دارد، از اینکه آنهمه مدنیت و فرهنگ گسترده و جهانگیر و پرماجرا و پیر اثر ایران، شاید در حال سقوط و اضمحلال و انهدام افتاده است و شاید روزی برسد که نه از تاک نشان‌ماند

و نه از ناک نشان، گران و سیمانک و افسرده‌خاطر است. دریافته‌ام که ناصح ناطق حواسه است کتابی صد درصد تحقیقی و صرفاً "بر پایه" کناشناسی یا تاریخ ادیان و یا تاریخ فلسفه و یا علوم تحقیقی اساطیری و امثال آن و بدون لطف و زیبایی احساسی و اندیشه‌ی ملی و فومی برشته" تحریر درآورد، بلکه، خواسته است در این کتاب، فریاد برکشد و از صمم قلب آوای نوأم با اشک و آه و درد و رنج سردهد و اگر سواد بگوش همه، مردمان آزاداندیش جهان برساند که ایرانی وارث فرهنگ معنوی عظیم و وسیع و ارجمندی است، که حوانات وطن باید بخوانند و درک نمایند که از همه، هنرها و ادبها و فنون و علوم و حساب‌برداری و فلسفه‌ها در فرهنگ قدیم ایرانی ریشه‌ای و سیاسی و مایه‌ای وجود دارد، که ایرانی بمردمی و آزادی و انسانیت و شرافت آدمی و گوهر آدمی و آرادیه‌های فطری آدمی احترام می‌گذاشته است، که زار عفا، ایران از بیس قرون و اعصار همین اعتلا، فکر و تجلی اندیشه‌های بارور کهن او بوده است، که فرهنگ غنی و برمایه و عالی‌شان ایران چه پیش و چه پس از اسلام از فراسوی مرزها فراتر رفته و بدرون دلها و حاسهای اقوام و ملل اروپائی و آسیائی و افریقائی، از هندی و ترک و حبس و رومی و یونانی و چینی و تازی و مصری و حتی حتائی و حتی نفوذ کرده و مکتب‌ها و مدرس‌ها و کتابها و کتابخانه‌ها و معابد و دیرها و کشت‌ها را از فروغ خیره کننده، آرامش بخش زندگی ساز خود روشن ساخته است.

در خصوص ماسی و ماسوب و حله‌های فکری و فلسفی دنیای پس از مانی و اصول عفاید او و کتابهایی که راجع او نوشته‌اند با حرأت می‌توان گفت که در هیچ ریاضی و در زبان فارسی کتابی به جامعیت نقد و فحص و قدرت اطلاع و منطق استنتاج و دقت استقصاء، همانند کتاب "ماسی و دین او" که مکتوبه، دو خطابه، مشهور سید حسن تقی‌زاده است تا با امروز نوشته نشده است.

اما چنانکه مرحوم تقی‌زاده در مقدمه، سطق ۲۴ آذرماه / ۱۳۲۸ شمسی خود گفته است: "دین ماسوی از ادیان سروکه و فراموش شده است و چون کسی از پیروان آن نماید، تحقیق در آن فقط فائده، علمی مجرد را دارد و بس". ولی مؤلف سداردل کتاب "تجلی در باره، زندگی ماسی و پیام او" سعی کرده است ضمن آنکه اصول بآلف و بدویس را رعایت کند از صدای خون و آوای درون خود سیر غافل

نماد و مانویت یعنی این نشانه، کوچک از فرهنگ بزرگ ایرانی را آنگونه بازشناساند که درسی یا درس‌هایی برای نوادگیشان و جوانان باشد و برای آگاهی مردمانی که کم و بیش با فرهنگ و تمدن غرب آشنائی یافته‌اند ولی از وسعت و عمق و عظمت فرهنگ گذشته، ایران بی‌خبر مانده‌اند چراغ راهی فراراه دارد، باشد که بخود آیند و بفرهنگ دیرینه، دیرپای خود دل‌بستگی یابند، که این دل‌بستگی راز بقاء قوم ایرانی است و ضرورت آن غیرقابل تردید است.

می‌توان گفت تمام مآخذ و منابعی که مهندس ناطق برای تدوین کتاب خود دیده است، مورد توجه و نقل و فحوص مرحوم سیدحسن تقی‌زاده هم واقع شده و با آنکه ناطق نوشته است که در سالهای اخیر یعنی پس از تدوین و چاپ کتاب مانی و دین او، کتب و رسالات زیادی در باره، مانی و مانویت منتشر شده است و در بازار کتاب اروپا هفته‌ای یا ماهی نیست که در باره، کاتارهای فرانسه که متأثر از مانویت قدیم‌اند و در باره، بوگومیل‌ها که عقاید آنها عقاید قدیمه، مسیحیت مانوی در بلغارستان است، کتابی یا رساله‌ای منتشر نشود و مطالب تازه‌ای عنوان نگردد، معدک من هرچه بیشتر در کتاب مهندسی ناطق تصحیح نمودم کمتر مطلبی یافتم که مورد بحث یا نقل یا رجوع یا استشهاد یا اشاره، مرحوم سیدحسن تقی‌زاده در کتاب مانی و دین او واقع نشده باشد، حتی در باب کاتارها و بوگومیل‌ها هم مرحوم تقی‌زاده اندازه، در خور، مطلب نوشته و بااهمیت مطالعه، آن تفکرات فلسفی برد آن اقوام اشاره کرده است.

مطلب مهم دیگری که مورد توجه و بحث مهندس ناطق واقع شده و از سر اصناف بخوبی از عهده، بحث و نقل آن برآمده موضوع "گنوس یا عرفان غربی" است که در این فصل از بحث کلی در باره، گنوس، ریشه، گنوسیم، اندیشه، گنوسی، بزرگان گنوسی و افیت‌ها سخن گفته است و البته گهگاه عرفان گنوسی مغرب‌زمین و مسیحیت را با عرفان و تصوف ایرانی و اسلامی مقایسه‌ای کرده است ولی نه آنچنانکه این تطبیق و ریشه‌شناسی و مقایسه واقعا، در حور موضوع باشد. انصاف باید داد که مرحوم تقی‌زاده هم در کتابش چنین کاری را در خور و باندازه، لزوم نکرده است و اگر از اینجهت، بر کتاب تقی‌زاده نقضی وارد است، بر کتاب ناطق نقضی عظیم‌تر وارد است چه تقی‌زاده دو خطابه، علمی و صرفاً "محرردا"

علمی ایراد کرده است، اما ناطق نظر به جنبه‌های القائی و تحریک احساسات و یادآوری تمدن گذشته و نخدیر و تشویق احساسی داشته است و با قصد و عمد و درد و سوز باین مقصد عالی دست بازیده و بحق باید از عهدهٔ تطبیق و مقایسهٔ علمی متون عرفانی و فلسفی و فکری ایرانی با ادبیات گنوسی اروپائی و مسیحیت غربی بخوبی برون آمده و بزیر ذره‌بین مدافه و تحلیل و تحقیق می‌گذاشت. وقتی ناطق به عمد و به حق از شیوع و اوج اندیشه آزاد و روح اغماض و تسامح و سرودهای غنائی "تروبادورها"ی اروپائی سخن می‌گوید، می‌بایستی، بصورت از ادبیات عارفانه و اغماض و تسامح و عرفان ایرانی نیز بتفصیل سخن بگوید و ادبیات تروبادورها و کاتارها و یوگومیل‌ها را با آن اندیشه‌های ایرانی و شرقی بسنجد، تا از این مقایسهٔ علمی و فنی بتواند سرمناء همهٔ تبدلات و تأثرات روحی و فلسفی و عرفان فطری بشری و روحیهٔ عرفانی و اشراقی و فروتنی دور از تعصبات همهٔ مردمان آزادهٔ جهان را بازگو کند، تا بتواند مانی و مانویان و اصحاب برگزیدهٔ او و نبوشاکان را هم در این دسته از مردمان و این گروه آدمیان آزاداندیش و آزادخوی آزادکوش آزادی‌خواه بشناساند.

"... سرنوشت مانوی‌گری و تولد و مرگ مکرر آن از شگفتی‌های تاریخ بشر است. باین معنی که دین مانی که از ادیان ایرانی و گنوسی‌گری الهام گرفته بود، در زادگاه خود یعنی ایران در مدت کوتاهی خفه شد، سپس در ترکستان و چین و منطقهٔ تورفان زندگی از سر گرفت. زمانی هم در شمال آفریقا و مصر و تونس و روم گسترش یافت، سپس با فشار و سختگیری امپراتوران روم روبرو شد و پیروان آن از میان رفتند. . . . در پاسخ کسانی که از خود می‌پرسد چرا نگارنده در میان گروه بی‌شمار پیامبران نامدار، مانی را برای موضوع این رساله برگزیده است و اساساً چه جبههٔ خاصی در سرگذشت مانی و آئین وی هست که برای ایرانیان مفید فرض شده، باید گفت که: مانی پیامبری است که سالیان دراز است رخت از این جهان بجهان دگر برده، دین وی تأثیر خود را کم و بیش از دست داده، پیروانش کشته شده‌اند، کتابهایش در میان آتش سوخته، در آب شسته شده و یا در میان ریگهای دشت ترکستان پوسیده و جز چند صفحه معدود چیزی از آن بدست مانرسیده است. مانی دیگر نه کلیسا دارد نه راهب، و نه مناسک و تشریفات، پیروی از او و یا

دشمنی با او در دنیا و شاید آخرت نیز سودی و زبانی ندارد. تحکیم مقامات و مناصب دنیوی از راه نظاهر بدوستی یا دشمنی با او هم مسر نیست. یعنی دین مانی از موارد نادر تاریخ عقاید و ادیان است که پژوهشگر می‌تواند آزادانه از آن انتقاد کند و به تحری حقیقت بپردازد بی آنکه خطری متوجه وی باشد". (صفحات ۱۵-۱۲ کتاب).

مهندس ناطق بحث در باره، پیام مانی را با ترجمه، صفحه‌ای از کتاب "آئین مانی" نوشته بورکیت آغاز می‌کند. این کتاب محتوی سخنانی بورکیت در تریستی کالج دوپلین است و از نقل ناطق چنین سرفی آید که گمان برده است تقی‌زاده کتاب بورکیت را ندیده یا از تأثیر گنوسیم بر مانویت و مانویت در عرفان گنوسی غربی بی‌خبر بوده است، در حالی که اگر به خطابه، دوم تقی‌زاده توحهی می‌فرمود درمی‌یافت که تقی‌زاده نوشته است:

"... خلاصه آنکه پس از آنکه (ماور) دین مانوی را اساساً یک منظومه بودائی و هندی فرض می‌کرد، (بورکیت) عناصر مسیحی آنرا غالب و اساسی فرض می‌کرد و (رایتسن‌شتاین) به پیروی از (بوسه) آنرا مأخوذ از عقیده نجات‌رما میز ابرائی میدانست و (بنونیست) و (نمبرگ) هم این عقیده را تقویت نموده‌اند و آنرا با عقاید فلسفی زروانی ارتباط دادند. (شدر) با تغییر عقیده، اولی خود آنرا از همه بیشتر به مسیحیت غیررسمی گنوسی هلنیست مرتبط شمرد. در این اواخر (ویدن‌گرن) تحقیقات جدید مفیدی در جنبه بابلی آن و مقایسه آن با عقاید اکدی و مخصوصاً مذهب تموز نموده و (سودربرگ) جنبه ماندائی آنرا بدلائل زیادی تأکید نموده و جدا سعی در اثبات این نظر کرده که اصل طریقه ماندائی قدیمتر از آن است که غالباً تصور می‌شود و شباهت فوق‌العاده‌ای بین زبور مانوی قطعی نوماس و نوشتجات ماندائی پیدا کرده است." (از کتاب مانی و دین او)

مهندس ناطق پس از بورکیت به نوشته‌های (هنری چارلز یوئش) نظر دارد، اما یوئش و نوشته‌هایش تا آن درجه مورد توجه و مطالعه مرحوم تقی‌زاده در "مانی و دین او" واقع شده است که در بحث اسلاف ماندائیان و معتسله و هجرت آنها از فلسطین به کرخ میسان و صابه البطائح بقول ابن‌ندیم صبه و صوبه و صابئین حتی بحث حدلی در باب تاریخ این هجرت که بیش از قرن دوم پیش از میلاد یا

پس از میلاد مسیح بوده تقی زاده سخن بتفصیل گفته است و اشتباه استنباط پیوئش را مشروحا" توضیح داده است. تقی زاده از سبرده کتاب عمده که موافق و مخالف در باره، ماسی و مانویت نوشته‌اند سخن می‌گوید و معلوم است که همه آنها را در زبانهای اصلی یا در زبان آلمانی بدقت خوانده است. از کتاب نیوس بصرای از قرن چهارم مسیحی گرفته تا فقرات صیغه، نراء برای مانویان هدایت شده به مسیحیت در قرن نهم میلادی همه را با دقت مقایسه و نقل و نقد و محص کرده است و گذشته از آنکه (شکمند گمناک و بچار) و (دینکرت) و کتاب (افراتس روحاسی ایرانی حدود ۳۴۰ مسیحی) را مذاقه نمود، از مومن و کتب فارسی و عربی قدیمهای که با حصاء حضرت احمد افشار شیرازی در کتاب مانی و دین او بالغ بر ۱۹۴ کتاب است اطلاع دقیق حاصل نموده است.

و حتی در جهان بینی مانی از چند واژه، ایرانی و سعدی برده برداشه و اقوال ریانشناسانی چون مرحوم پرفسور هنیگ را بیاری گرفته است و دریافته است که لغات تریسف پهلوی و تریسوخ سعدی و تیریوسته اوستائی است و معانی پاهرگ نید (پیرایه تجلی)، دهی نید (پادشاه شرافت) دمنس نید (الماس سور) زند پیر (پادشاه افتخار) مانند یزد (فرشته، حامل اطلس) در ادبیات ماسوی حکم امشاسپندانهای زردشتی را دارد.

چه خوب بود اگر مهندس ناطق نام کتاب خود را تنها "پیام ماسی" می‌گذاشت و آنچه لطافت و ظرافت فکر و آراء اندیشی و قدرت فلم و وسعت اطلاع و آرزوهای فلسفی را برای مواضعی نگار می‌گرفت که رشته، مداوم و مستمری برای شناساندن فلسفه، ماسی و عقاید او از طریق فرهنگ ایرانی بوده و چراغ راهی در پیش پای اندیشه، رهسیر جوانان و مردمانی که کم کتاب می‌خواند و در آثار راه شناسائی فرهنگ ایران هستند قرار می‌داد. با آنچه سهم ناطق در فراهم آوردن مباحث مهمی چون بوگومیل‌ها، پلسین‌ها، کاتارها و تحقیق در احوال مانویان اروپائی و گفتارهایی در اشعار ماسوی دوره، اموی و سسنگی باطنیان با آئین ماسی، زروانگیری، قرامطه، اخوان صفا، شعوبیه، زیدی‌ها و امثال این مباحث را ساند از ناد برد، و شاید از یاد برد که ناطق در آغاز انقلاب اخیر ایران کتاب خود را چاپ رسانیده است (نبرماه ۱۳۵۷) و معلوم است که مردی مسلمان و آزاده و

وطنپرست از تندباد حواث دل‌بر آتش دارد، نوشته است تا بگونه‌ای کسی کتابش را بخواند و با او احساس همدردی کند و مایه تسلای او شود.

من در آخر مقال می‌خواهم از مهندس ناصح ناطق خواهش کنم که فصل "مذاهب‌المنانیه" کتاب الفهرست این‌ندیم را فارسی ترجمه کند و همه تنبغات تقی‌زاده و سایر دانشمندان محقق را بر آن و بصورت حاشیه و ذیل بیفزاید و لغات و ترکیبات فارسی و ادب عامیانه را بیرون کشد و هرچه از هر جای سخن سنجیده فراهم آورد در طول سالی چند بر آن بیفزاید، آنوقت ترجمه فارسی "مذاهب‌المنانیه" این‌ندیم را متمم و منقح و مفصل و مکمل در اختیار فارسی زبان قرار دهد تا بخوبی روشن شود که مانی که بود و چه گفته و چون کرده و پیامش چیست و سهمش در فرهنگ ایران و تمدن بشری چیست؟ و بر سراو و پیروانش برسر عدالت پیروزی و حق‌طلبی و آزادیخواهی چه آمده است؟ من برای نقد کتاب "بحثی در باره زندگی مانی و پیام او" مطالب گوناگونی را رطب و یابس بهم بافته بودم اما مدیر گرامی مجله آینده بعد از نداشتن جا، از چاپ همه آنها سر باز زد، امید آن دارم که روزی همه آن تفصیل را که "اطناب ممل" است باز نویسم و منتشر سازم.

در پایان سخن خطاب به مهندس ناصح ناطق نویسنده ارجمند، از کتاب خود او (صفحه ۱۱۴) این بیت زیبای پیراسرار حافظ عارف را بازگو می‌کنم:

در این وادی به بانگ نای بشنو
که صدم خون مظلومان به یک جو

اما کتاب ۳۳۲ صفحه‌ای ناطق بر کتاب (۲۵+۱۴+۴۴+۶۲۵) صفحه‌ای تقی‌زاده این مزیت را دارد که کتاب ناطق با نثری روان و دلکش نوشته شده، در حالی که نثر کتاب تقی‌زاده مانند همه نوشته‌های آن مرحوم خشک و محکم و استدلالی و مستند است و طبعاً کتاب ناطق برای جوانان و مردمان عادی کشش و جذب و لطف بیشتری خواهد داشت، دو دیگر آنکه ناطق در باره یزیدی‌ها و اخوان صفا و شعوبیه مطالبی نوشته است که نه تقی‌زاده و نه محققان فرنگی در باره عقایدی که از مانویت گرفته شده است باین موضوعات مهم عنایتی و توجهی نکرده‌اند.

سه دیگر آنکه مهندس ناطق، مهندس ساختمان و محاسبات ریاضی است و بحث و فحص او در موضوعات ادبی و فلسفی و تاریخی، بی‌شک ابواب تازه‌ای را

در این مسائل می‌گشاید و دقائق جدیدی را می‌شکافد. از همه مهمتر آنکه ناطق هم خود کتاب "مانی و دین او" را همانند یک اثر اصل و مورد استناد و مأخذ مورد ملاحظه قرار داده است و از آن کتاب بهیچوجه غافل نمانده است. و نکته آخر آنکه ناطق توانسته است تعدادی تصاویر جالب و دست‌اول از پیکره‌ها و خطوط کهنه و عمارات معابد و خانه‌ها و غارهای قدیمه مانویان فراهم آورد که با آخر کتاب افزوده است و این کار مستحسن، خود بزیبائی و طرافت و گیرائی کار و کتاب می‌افزاید. اما چه خوب بود اگر تعدادی از نوشته‌ها و کنیسه‌ها و نقوش مانوی ترکستان یا مصر یا شمال آفریقا و یا جنوب مدیترانه را با انتخاب، ترجمه می‌کرد و به کتاب می‌افزود تا در آن صورت اصل و ترجمه، متون نوشته، قدیمه مانوی را هم در اختیار طالبان می‌گذاشت که هرکس در کار خود و تخصص خود از آن بهره می‌گرفت. مزید توفیق مهندس ناصح ناطق را از خداوند بزرگی که بندگانش را با نور هدایت پیامبرانش رهنمائی می‌کند خواهانیم.

سیاست اروپا در ایران

تألیف دکتر محمود افشار

ترجمه ضیاءالدین دهشیری

به انضمام چند گفتار جدید از مؤلف و مجموعه‌ای از

اسناد و مدارک و نامه‌های چاپ‌نشده دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹

به زبانهای فرانسه و انگلیسی و فارسی

تعداد صفحات ۶۶۶ صفحه - بها ۶۵۰ ریال

از انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار

محل فروش و پخش - سازمان کتاب - تلفن ۲۷۰۸۱۵

تجریش - خیابان مصدق چهارراه زعفرانیه - کوچه اعتمادمقدم

کوی لادن - شماره ۸